

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

سیدموسی عثمان هستی مدیرمسئول ماهنامه طنزی و انتقادی بینام در تورتوی آنتریوی کانادا
۱۶ اپریل ۲۰۱۶

پس بگوای خدا:

تومرده ای یازنده ای؟ و یازدست وارثانت افسرده ای؟

درون تورات وانجیل
به هر سطر زبور و فرقان
ترحم است و محبت روی کاغذ
در عمل است ...
در احوال خلق بنوشتی
ظلم و ستم
جور و جفامردود
حکمت توبه فضای حق و عدالت و مساوات
گل بسازدین و مذهب از دود
مادرزمین و تودر قصر حشر کبود
توسر شارز هر چیز و ماکمبود
جهان خفته را بیدار کردی
ولیکن برشان دام ساختی
به دست آوردن یک لقمه نان
خود خالق عالم کردی
مرا بنده پوچ مغز
این حرف پوچ ...
ولیکن نغز
از باد و هوا ساختی بر من
واعظ منبر
دین و مذهب و پیکر خالق یکتا

بایک حرف و تفسیر دوتا
تا که تحمیل کند
به نام تفسیر و حدیث
این نسل خبیث
خودگویند وارث دین نبی
شعبدبازی کنند بر علم قدیم
در محراب و منبر گویند
این عظمت خدایین
کون پُرچین و بی برمه ساز دشکاف
شهرت خود را رساند تا کوه قاف
این کرامات گرنیست چیست
ای بی دین
که تو گشتی بنده سرکش و بی فرمان
می دوانی اسپ کفر خود
پشت لُج و بی زین
ای خدا (ج) گرهستند وارث دین و مذهب
پس چرا هستند دور از خدا (ج) و بی ادب
پس تو مرگ داری و مُردی ای خدا !
خرها گشته وارث دین الله
من که نادانم کی به تو
جسم قایلم
من کجا
در بین تو و وارثان ت حایلم
وارثان دین تو شعیده باز دین تو
کی برند از دین تو فرمان
بی چوب تر
لیک حلال بر خود و بر ما
هر چیز اسازند حرام
بر خدائی تو من قایلم
فکر کرده و اعظ نادان
خطبه و عظ او کرده مایلم
وارثان تو فکر کرده خدایا (ج) مره ای
یا از او تر سیدی
نه من

اوشده وارث دین و مذهب
می زندومی کشد
آن بی ادب
برنام داعش و طالب دین خدا(ج)
من دادم ؟
اسپ تاخت و تاز بر بی دین
یاتو
ساختی حاکم من وارث مذهب و دین
گر توهستی همه این کار از توهست
وارث دین و مذهب لیک آن سگ است
دین و مذهب ترا
وارثانت گنده کرد
تورا خالق و مرابنده کرد
دین و مذهب بهانه کرد و
بر بندگانت تاخت و تاز
پس بگوای خداوند(ج) جهان آفرین
تومرده ای یازنده ؟
یاکه فاتحه خود، خودخوانده ای
یا خود در دام این شعبده بازان افکنده ای
یاکه پلی ساختی دیروز
یاکه امروز در آن پل بندمانده ای
از بنده و بنده داری خسته ای
یاکه با وارثان گوز زده خود
چهارزانو نشسته ای
تونه پندار سخن حق را
کس شعر
من نزد خود
در کوچه تیرو بیر
پس نمردی در کجائی ای خدا(ج) منان
وارث تو گشته
دزد و قاقچبر و
دین فروشان ناروا
راست گفتند که نداری ؟
گوش شنوا !

جسم تو را کس ندیده به چشم
گر خدائی پس چر اداری توترس
خود کوچک کرده ای وارثان خود بزرگ
ساختی از خس و خاشاک
وارثان سترگ
ای خدای کریم و بی همتا
تو مگر بهانه دین و مذهب هستی
یا که تو افسانه ای بیش نیستی
گنددین تو جهان را گنده کرد
هر کس و ناکس را بر تو بنده کرد
ای خدای توانا
گر مرده ای قبرت کجاست؟!
گر نمردی زنده ای
این ناروائی ها چراست؟
می گویم که تا ظاهر شوی
بر هر بنده خود ظاهر شوی
یا روی به سوی دین فروشانست کنی
یا که بر بندگان مایل شوی
غیر ازین تو پیش من مرده ای!
صاحب دین هر گنده ای!
این گه گفتند
(اسلام بذات خود ندارد عیبی
هر عیبی که است در مسلمانی ماست)
با این ظلمی که بر بندگان می بینیم
بیت بالا را حرف خطامی دانم
دیگر نمانده بر دین و مذهب بهانه
از لاف تو دست بردار
بنشین ملا در ب خانه
ای زهدوملای منبر رو
آخوند دیوانه
در بین مردم ردالت شده افسانه
من مست و الستم در در میخانه
تو دور ز مردم شدی آخوند بیگانه
تو کاندوم می فروشی در

زیارت شاه دوشمشیره
افسانه ای بیش نیستی خانه به خانه
بوی گنددین عالم را کرد دیوانه
زلف فاحشه های دین را کردشانه
بربقای خودمثل قنغزک
(مغزتو در بین گندکی ها کردخانه)

نوت: جمله آخرین قوسین از یک فکاهی روسی الهام گرفته است.

اول: می گویند روزی برژنیف رهبر روس در میدان سرخ می گشت برژنیف می بیند در این میدان پاک وزیبا مرغی پیکال خود را رها کرده به خاطر یک مهمان هائیبیند برژنیف کلاه خود را بر سر چتلی مرغ آهسته می گذارد که کسی نبیند چند لحظه بعد دو نفر گارد محافظ میدان سرخ می آید می بینند که کلاهی برژنیف افتاده و رخا بالامی کنند می بینند زیر کلاه چتلی دیده می شود هر دو محافظ به طرف یک دیگر نگاه می کنند بعد یکی به همکار دیگر خود می گوید مغز برژنیف هم زیر کلاه است دوباره بر سر مغز برژنیف کلاه را گذاشتند و با خود گفتند همین ملت خاموش سزاوار چنین زمامداری است مثلی که ملیت های رنج دیده افغانستان چشمان شان را دین و مذهب کور کرده و گوشهای شان را کر، سزاوار چنین خدائی هستند و دست شان از دامن خود بابرگی که خدا دارد کوتاه نکند در پهلوی نام دولت شان غده سرطانی اسلامی باشد تا دولت از دین و سیاست جدا نشود به نام دین خرسواری دوام کند و در شرف در زاری دینی گاو دین شان مردار نشود.

دوم-- یا که پلی ساختی دیروز -- یا که امروز در آن پل بند مانده ای

مقصود از پلی است که به گفته ملاها از موی کرده باریکتر و از شمشیر دوسره شاه شمشیره کرده تیزتر. کسی را که خدا خواسته باشد سلامت از آن پل در روز قیامت تیر می شود و اگر خدا نخواسته باشد در دوزخ می افتد از بد بد بترش توبه از گوز خرش توبه. از ملای بی عملش توبه از غنی و عبدالله دم بریده توبه، از میانجی گری کیری و از شله بودن کیری توبه و اقعاً به گفته ایرانی ها مرد کیری است

سوم -- جاهلان دین مفهوم این نوشته را نمی دانند اگر حکم کفر بی خدائی و مرتد بودن مرا صادر می کنند قابل عفو هستند و اگر عالمان دین که حرفهای در لافافه مرا می دانند به خاطر گرم شدن بازار تجارت دینی شان خران دنباله رو خود را تور می دهند، می گویم به پشمش

من دعوی خدائی ندارم ولی حق دعوی من در پیش خدا محفوظ است و به این عقیده نیستم که خدا این قدر کوچک شده باشد که عبادت طولانی شیطان را در نظر نگرفته باشد او را رانده باشد اگر در حقیقت فکر کنیم شیطان کسی است که در برابر عبادت طولانی خود از خداوند (ج) امتیاز بزرگ به دست آورده که خداوند (ج) اختیار و سرنوشت بندگان خود را به اوسپرده بزرگی خدا را از اینجا قیاس کنید پیروان مجاهد و طالب هم از خداوند شکر گزار باشند رهبران طالب و مجاهد کمتر از شیطان خداوند قادر نکرده اختیار ناموس و قتل و کشتار مردم بی دفاع به رهبران مجاهد و طالب داده که پیاز بردن غنی و عبدالله پوست نمی کنند با خدا دادگان ستیزه مکن که خدا داده را خداداده

روزی از سیاف و دیگر رهبران مجاهدین پرسیدند گفتند از خدا نمی ترسید که دارائی های مردم و ملت را غضب کردید گفتند با خدا دادگان ستیزه مکن که خدا داده را خداداده بیشک که حق المبین است هیچ شک و شبهه نیست اگر قبول ندارید خاک دامن کنید

یکی از نظریه پردازان مشهور طنزگفته طنز و شوخی راجدی نیندارید اگر با خدا هم باشند فعلاً از گرفتن نام آن خودداری می کنیم چون تنور تکفیر کردن داغ است فردا اگر دین از سیاست و حکومت داری دولت افغانستان جدانشداز نظریه پرداز نام می برم حق این راکس ندارد که مرا کسی بگوید تو آب خود پف کرده می خوری کسی که در شیر سوخته آب خود را پف کرده می نوشد. تکرار اشتباه حماقت است باز هم گفته اند دروازه شهر را می توان بسته کنید مگر مردم را نمی توان بسته کرد در وطن ما کسی که قهر می کند می گوید دست تو تا لندن خلاص یادست تو تا مسکو خلاص یا دست تو تا امریکا خلاص یا دست تو تا پاکستان خلاص این کنایه طنزی است که می گویند دست تو تا لندن خلاص مقصد از شاه شجاع دوست محمد خان امیر عبدالرحمن خان تا نادر و ظاهر خان.

همین که می گوید دست تاسکو خلاص مقصد از رهبران دست نشاندۀ مسکو یعنی رهبران حزب دموکراتیک خلق

و یا این که می گویند دست تاسکو خلاص مقصد از کرزی عبدالله و غنی است

ویا که می گویند دست تاپاکستان خلاص مقصد از رهبران مجاهد و طالب است این که روزی خواهد گفتند دست تاجپن خلاص من غیب نمی گویم که پیروان آنها در افغانستان سر قدرت می آیند یا نمی آیند من که چینی هارا می شناسم از کندن کله گرگ در افغانستان پند گرفته اند. فریبی را که انگلیس ، روس ، امریکا و پاکستان خورد آنهانی خوردن قناعت به دوشاب خویش را بهتر از چلوکباب ایرانی می دانند این بود حقیقت هادر لابه لای یک نخود طنز و شوخی که وزنش زیادتراز کوه پامیر است نه بالاتراز وزن و دانش کریم الله پیکار پامیر و طنز دار چهار کاری ما.

بزرگان گفته اند بعضی وقت ها ایجاب می کند که پشه درون گوش فیل را بایده نام فیل صدا کرد که مغرور شود از گوش فیل بیرون شود قدر گرمی و سردی را بدانند اگر می خواهید آدم های نادان را از گوش فیل بکشید به بزرگی از آنها یاد کنید نگویید که در چننه قلمی خود چیزی نداری از زور جنرال قادر هراتی حرف می زنی میگوئی من زمانی ضابط امر قادر بودم.